

حمایت از کرانه باختری در عصری که تشکیلات خودگردان فلسطین دوران افول خود را طی می‌کند، به همراه مباحثی مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی به دنبال حمله به حماس بود و این اقدام به نوعی «پیش‌دستانه» بوده است و همچنین ظلم فزاینده صهیونیست‌ها به فلسطینیان در کرانه باختری و قدس که در کابینه افراطی بنیامین نتانیاهو به اوج خود رسیده بود، می‌تواند دلایل دیگر آغاز جنگ باشد.

گذشته از علل بیان شده، برخی زمینه‌ها نیز شرایط را برای آغاز چنین عملیاتی فراهم کرد و به نوعی پیش‌رانی برای آغاز عملیات بود؛ نخستین زمینه مربوط به غفلت رهبران رژیم صهیونیستی از جبهه جنوب و ادراک اشتباه آنان از عدم تهدید از سوی غزه است. نگاهی به نوشته تحلیلگران و حتی اسناد رسمی رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد آنان نسبت به حماس دید متفاوتی داشتند و عملاً غزه را از سناریوی جنگ پر شدت خود حذف کرده بودند. در این میان، می‌توان به عملیات فریب حزب‌الله لبنان در افزایش تنش موردی با رژیم صهیونیستی نیز نظر افکند. حزب‌الله لبنان در ماه‌های اخیر با برپایی دو چادر در مرز لبنان با رژیم صهیونیستی، عملاً تمامی توجهات را به سمت جبهه شمال سوق داد و همین اقدام منجر به این شد که رهبران رژیم صهیونیستی تمرکز کمتری به جبهه جنوب داشته باشند. عامل مهم بعدی را می‌توان، تنش‌ها و شکاف‌های داخلی رژیم صهیونیستی دانست. برگزاری ۴۰ شنبه اعتراضی علیه اصلاحات قضایی کابینه نتانیاهو و درگیری بیش از پیش یهودیان با یکدیگر و تعمیق شکاف‌های جمعیتی-حزبی که بعضاً به رویگردانی نظامیان و سازمان‌های اطلاعاتی از انجام خدمت منجر شده بود، شرایط را برای گروه‌های مقاومت به منظور برنامه‌ریزی برای حمله فراهم کرد.

سومین دلیل را می‌توان اوضاع آشفته کرانه باختری و تشدید درگیری میان فلسطینیان و صهیونیست‌ها در کرانه باختری دانست. از سال ۲۰۲۰ به این سو و با روی کار آمدن دولت افراطی، تعداد عملیات‌های استشهادهای فلسطینیان و همچنین اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل در کرانه باختری افزایش یافته و همین امر

زمینه را برای تحریک مردم کرانه باختری و امکان آغاز جنگ فراهم کرد. پس از انتفاضه دوم (۲۰۰۵-۲۰۰۰) طی سه سال اخیر، کرانه باختری بحرانی‌ترین روزهای خود را سپری می‌کرد که همین امر اولاً تمرکز رژیم صهیونیستی را به جبهه مرکزی مشغول می‌ساخت و در ثانی شرایط را برای کسب حمایت مردمی جلب می‌کرد. گذشته از این‌ها می‌توان اشتغال جهان به بحران اوکراین و تمرکز ناتو به عنوان مهم‌ترین متحد رژیم صهیونیستی بر روسیه عاملی دیگر دانست که شرایط را برای بازیگری بهتر گروه‌های فلسطینی و تحت فشار قرار دادن جامعه جهانی به ویژه اروپا فراهم می‌ساخت.

بنابراین می‌توان ادعا کرد وجود شرایط مناسب در کنار تهدیدات قابل توجه، گروه‌های مقاومت را به این نتیجه رساند که باید از غافل‌گیری اطلاعاتی- عملیاتی رژیم صهیونیستی استفاده و بیشترین ضربه را بر آن وارد کرد.

◀ چرایی غافل‌گیری رژیم صهیونیستی

مأموریت شماره یک سازمان‌های اطلاعاتی جلوگیری از «غافل‌گیری استراتژیک» است، چیزی که رژیم صهیونیستی در طوفان الاقصی درگیر آن شد. رژیم اشغالگر در بسیاری از جنگ‌هایی که با کشورهای منطقه داشت، غافلگیر نشده بود و حتی در جنگ یوم کیپور سال ۱۹۷۳، نهاد‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به رهبران اسرائیل هشدار حمله دادند، اما این رهبران سیاسی بودند که غافلگیر شدند. اما در عملیات طوفان الاقصی، تشکیلات امنیتی رژیم صهیونیستی کاملاً غافلگیر شد و این غافل‌گیری نه تاکتیکی، بلکه راهبردی بود. «رونن بار» فرمانده اطلاعات داخلی رژیم صهیونیستی (آمان)، در مصاحبه‌ای بر این شکست اقرار کرد و مسئولیت آن را برعهده گرفت. (Reu- ters x x 3)

با این حال، در چرایی غافل‌گیری دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی می‌توان به دلایلی بسیاری اشاره کرد که به نظر نگارنده مهم‌ترین عامل، ادراک نادرست رهبران این رژیم و راهبرد «اعتمادسازی» حماس در سال‌های اخیر بوده است.



مأموریت شماره

یک سازمان‌های

اطلاعاتی جلوگیری

از «غافل‌گیری

استراتژیک» است،

چیزی که رژیم

صهیونیستی در

طوفان الاقصی

درگیر آن شد. رژیم

اشغالگر در بسیاری

از جنگ‌هایی که با

کشورهای منطقه

داشت، غافلگیر نشده

بود و حتی در جنگ

یوم کیپور سال ۱۹۷۳،

نهاد‌های اطلاعاتی

رژیم صهیونیستی

به رهبران اسرائیل

هشدار حمله دادند

